

تفصیح الحزب



مکتب حاج قاسم از نگاه رهبر انقلاب

کاری از واحد فرهنگی و پژوهشی مدرسه علمیه حضرت زینب(س)
شهرستان امیدیه - زمستان ۱۳۹۹

این بروشور براساس بیانات رهبر انقلاب، ویژگی‌های سپهبد شهید حاج قاسم سلیمانی تهیه شده است:

شجاع و مدبر

برخی شجاعت دارند اما تدبیر و عقل لازم را برای به کار بردن شجاعت ندارند و برخی اهل تدبیرند اما اهل اقدام و عمل نیستند و دل و جگر کار را ندارند.

حاج قاسم از دفاع مقدس تا پایان عمر با شجاعت به دل خطر می‌رفت اما در عین حال با تدبیر و فکر و منطق عمل می‌کرد و نه تنها در میدان نظامی بلکه در میدان سیاست هم شجاعت و تدبیر توأمان داشت و سخنانش قانع‌کننده، منطقی و تأثیرگذار بود که بنده این واقعیت را بارها به دوستان فعال در عرصه سیاسی گفته‌ام.

اخلاص

او شجاعت و تدبیرش را برای خدا خرج می‌کرد و اهل تظاهر و ریا نبود که ما نیز باید برای دستیابی به این ویژگی بسیار مهم یعنی اخلاص، تلاش و تمرین کنیم

مراقب حدود شرعی

او فرماندهی جنگاور و مسلط بر عرصه نظامی بود اما در میدان جنگ نیز حدود شرعی را کاملاً رعایت می‌کرد تا به هیچ کس ظلم و تعدی نشود، آن‌هم درحالی که خیلی‌ها در عرصه نظامی اهل احتیاط و رعایت حدود شرعی نیستند.

انقلابی

ویژگی مهم حاج قاسم این بود که در مسائل داخلی اهل حزب

و جناح و این‌گونه تقسیم‌بندی‌ها نبود اما به شدت انقلابی و پایبند به خط نورانی و مبارک امام بود و انقلاب و انقلابی‌گری خط قرمز قطعی او بود. حاج قاسم واقعاً ذوب در انقلاب بود و برخی سعی نکنند که این واقعیت‌ها را کم‌رنگ کنند..

نقش تعیین کننده در شکست آمریکا

آمریکایی‌ها می‌خواستند عراق یا شبیه رژیم طاغوت باشد یا شبیه برخی رژیم‌ها مثل سعودی که به تعبیر آنها نقش گاو شیرده را دارند، اما حاج قاسم به کمک عناصر مؤمن و جوانان شجاع عراقی و مرجعیت در عراق رفت و در مقابل این نقشه ایستاد و آن را خنثی کرد.

در لبنان نیز آمریکایی‌ها می‌خواستند لبنان را از مهمترین عامل استقلالش یعنی حزب‌الله محروم کنند تا صهیونیست‌ها، لبنان بی‌دفاع را همچون برخی مقاطع به‌راحتی اشغال کنند اما حزب‌الله روز به روز قوی‌تر شد به‌گونه‌ای که امروز، هم دست لبنان است و هم چشم لبنان که نقش شهید شجاع و باتدبیر ما در این مسئله ممتاز و برجسته بوده است.

برکات شهادت حاج قاسم

هر زمانی که این شهید عزیز گزارشی ارائه می‌کرد من قلباً و زبناً او را تحسین می‌کردم اما اکنون در برابر برکات شهادت او و آنچه این شهادت برای کشور و منطقه ایجاد کرد، سر تعظیم فرود می‌آورم.

عده‌ای می‌خواستند وانمود کنند که انقلاب اسلامی در ایران تمام شده است و البته عده‌ای هم سعی می‌کنند این اتفاق

قهرمان امت اسلام

شهید سلیمانی از طرف دیگر به قهرمان امت اسلامی نیز تبدیل شد زیرا تلاشها، روحیات و شهادت آن عزیز، «اسم رمز برانگیختگی و بسیج مقاومت در دنیای اسلام» است و در هر نقطه جهان اسلام که بنای مقاومت در مقابل استکبار وجود داشته باشد، اسم رمز شان «شهید سلیمانی» است.

انتقام سخت

تشییع میلیونی شهید سلیمانی و شهید ابومهدی المهندس در عراق و ایران، اولین سیلی سخت به آمریکاییها بود اما سیلی سخت تر «غلبه نرم افزاری بر هیمنه پوچ استکبار» و «اخراج آمریکا از منطقه» است، البته آمران و قاتلان سردار سلیمانی نیز باید انتقام پس دهند و این انتقام در هر زمانی که ممکن باشد، قطعی است.

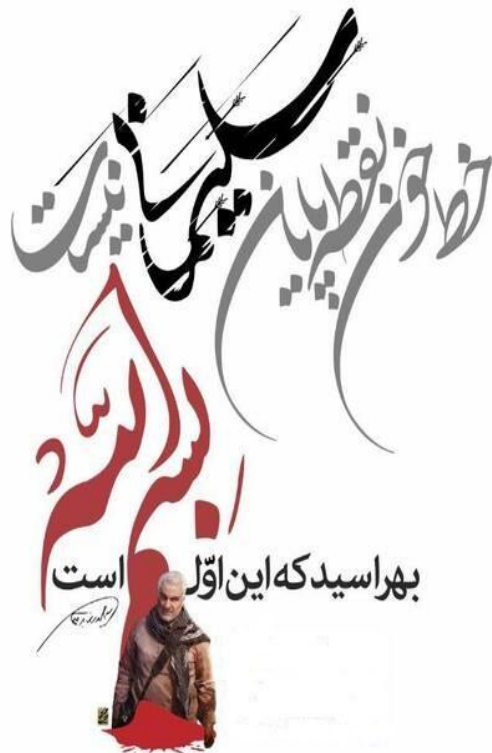
منابع

<https://b2n.ir/991254>

<https://b2n.ir/886823>

<https://b2n.ir/640915>

<https://b2n.ir/655008>



قهرمان ملی

علت آنکه شهید سلیمانی قهرمان ملت ایران شد و قشرهای مختلف مردم (حتی آنهایی که تصور نمی‌رفت) او را تکریم و به او ابراز احساسات کردند، این بود که شهید سلیمانی تبلور ارزشهای فرهنگی ایران و ایرانی بود.

بیفتند، اما شهادت حاج قاسم نشان داد که انقلاب زنده است و همه دیدند که چه قیامتی در تهران و دیگر شهرها به پا شد. ملت ایران با حضور بی‌نظیر خود در مراسم تشییع، به دهان دشمنان و آمریکایی‌های بی‌انصاف، دروغ‌گو و هجوگو زد که می‌خواهند این مجاهد عظیم‌القدر و سردار و فرمانده مبارزه با تروریسم را یک تروریست معرفی کنند.

راز محبوبیت سردار

راز محبوبیت سردار سرفراز حاج قاسم سلیمانی نیز در اخلاص اوست. رهبر انقلاب اسلامی بارها و بارها، او را با صفت «اخلاص» معرفی کرده‌اند. به عنوان نمونه در دیدار با خانواده سردار فرمودند: «می‌بینید مردم چه کار دارند می‌کنند برای حاج قاسم؛ این برای شما تسلی است... بدانید که مردم قدر پدر شما را دانستند و این ناشی از اخلاص است؛ این اخلاص است. اگر اخلاص نباشد، این جور دل‌های مردم متوجه نمی‌شود؛ دل‌ها دست خدا است؛ این که دل‌ها این جور همه متوجه می‌شوند، نشان‌دهنده این است که یک اخلاص بزرگی در آن مرد وجود داشت.»

روایت «...وقتی حاج قاسم را دید»

آن خانم دکتر عراقی، به این دوست ما گفته بود که من سفر اول و دوم می‌کردم که آمدم ایران - بعد از رفتن صدام - به هر ایرانی‌ای که می‌رسیدم، خیال می‌کردم که این {شخص}، دو برادر من را که در جنگ کشته شده‌اند، کشته {است}، با این چشم نگاه می‌کردم. و بغض داشتم - حالا دنباله حرفش هم این است - تا اینکه «سلیمانی» را دیدم. وقتی دیدم سلیمانی آمده و اینجور فداکاری دارد می‌کند، قضیه برعکس شد.